



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۵۶

جمعه، ۱۷ مهر ۱۳۸۳

۸ اکتبر ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

با کمک تلویزیون کانال جدید
کارخانه ها را برای کارفرمایان
ناامن میکنیم
صفحه ۸

گزارشاتی از اعتراضات سراسری دانشجویان، تجمعات معلمان،
اعتراضات مردم ممسنی، تظاهرات در هانوفر و ...
صفحات ۵ و ۶ و ۷

نامه سرگشاده عایشه جهانپور
به سازمانهای کارگری و مترقی
صفحه ۳



۲ اکتبر، در آمستردام و برلین ۳۰۰ هزار نفر به خیابانها آمدند!

پرچم تغییر جهان را به خیابانها برد. آنچه
میخوانید دو گزارش از بهمن خانی و نازنین
برومند از اعضای رهبری حزب در باره این
اجتماعات است: صفحه ۲

اعتراضات ماههای گذشته در آلمان، فرانسه و
ایتالیا، روز دوم اکتبر کارگران و مردم محروم
خیابانهای آمستردام و برلین را قرق کردند. در
این اجتماعات حزب فعالانه شرکت کرد و

اعتراضات کارگران و مردم محروم در
کشورهای اروپایی علیه سیاست دست راستی
دولتها که معیشت و دستاوردهای طبقه کارگر
را هدف قرار داده اند گسترش می یابد. بدنبال

ستون اول سیاوش دانشور

دانشگاه و کمونیسم

با آغاز سال تحصیلی جدید، مراکز
آموزشی و دانشگاههای کشور به صحنه
اعتراض و اعتصاب و تجمع تبدیل شده
است. خواستها روشن و اساسی اند:
اعتراض به جداسازی و آپارتاید اسلامی،
اعتراض به فضای مختنق و دخالت نیروی
سرکوب انتظامی و بسیجی، اعتراض به
وضعیت نابسامان خوابگاه، اعتراض به
کنترل فوق برنامه و محدودیت عبور و
مرور، اعتراض به قطع تلفن و برق و کیفیت
بد غذا و غیره. اعتراضات اخیر در
دانشگاههای کشور (به نمونه هائی از
گزارشات در همین شماره مراجعه کنید)
همراه با اعتصاب گسترده معلمان،
اعتصابات روزمره کارگری، اجتماع
پرستاران در ۱۹ مهر، شورش در نورآباد
ممسنی، تظاهرات در تهران و سنندج و
اصفهان و جاهای دیگر يك حکم ساده را
بیان میکند: سیاست رژیم اسلامی برای
ارعاب مردم تماما شکست خورد.
جمهوری اسلامی در تقابل با اعتراض رو به
گسترش مردم ناتوان است. نه دو خرداد و نه
جناح وحشی تر حکومت قادر به کنترل
اوضاع نیست. این دور به نفع مردم و به
ضرر رژیم تمام شد. این را هم رژیم و هم
مردم میدانند.

تا به دانشگاه مربوط است، يك مرور
ساده این اعتراضات و روحیه تعرضی
دانشجویان با خواستها و شعارهایشان
بیانگر دوره جدیدی از تحرك جنبش
دانشجویی است. برخلاف تحکیم وحدتی
های ورشکسته که تلاش میکنند تصویری

صفحه ۳

همایش دفاع از کودکان در سنندج برگزار شد صدها کودک در خیابانهای سنندج راهپیمائی کردند

صفحه ۳



مضحک "هخا" افتضاح اپوزیسیون راست!

علی جوادی

آنروست که حرکت و دست و پا
زندهای يك شارلاتان سیاسی را
صفحه ۴

يك پروژه سیاسی بود! اما يك
پروژه مضحک سیاسی. اگر
بررسی این مضحکه سیاسی
اهمیتی داشته باشد، نه از

ناقصی از "هخا" است. این
توصیف به اهداف و جوهر
ماهیت سیاسی پروژه این موجود
ناقص الخلقه نمی پردازد. "هخا"

"هخا" برخلاف تصورات ساده
انگازانه برخی در اپوزیسیون فقط
يك عوامفریب یا يك شارلاتان
سیاسی نبود. این توصیف

انترناسیونال ضمیمه شماره ۵۶ منتشر شد

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دوم اکتبر روزی تاریخی در حیات سیاسی مردم هلند

بهمن خانی



نازنین برومند

۲ اکتبر روز اعتراض به کاپیتالیسم؟!*



Verdi و سازمانهایی مانند FAU، Attac و حزب PDS شرکت کردند. شعارهای مختلفی در این اجتماع چندین هزار نفره به چشم میخورد. شعارهای رادیکالی مانند "شرودر باید برود" و یا "کاپیتالیسم بدون قوانین هارتز فیر هم لجن است" که بر روی یک ساختمان بزرگ نصب شده بود و یا کلمه سوسیالیسم را طوری نوشته بودند که معنی "سوسیالیسم ضرورت است" را میداد در کنار شعار "ما ملت هستیم، این قوانین باید بروند" که تا حدودی ناسیونالیستی بود به چشم میخورد. در این تظاهرات درگیرهایی نیز بین پلیس و تعدادی از تظاهرکنندگان که از بلوک چپهای رادیکال بودند رخ داد. کارگرانی که در نزدیکی درگیری بودند با شعار "فاشیست گم شو" به پلیس ضد شورش پاسخ دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران نیز با شرکت خود در این تظاهرات با پرچمهای بزرگ مارکس و منصور حکمت و شعارهای بزرگ نویس شده مانند "ما برای یک دنیای بهتر مبارزه میکنیم" و "کارگران کار را خلق میکنند و نه کار، کارگران را" توجه بسیاری از شرکت کنندگان را به خود جلب میکرد و عکسهای زیادی از این شعارها گرفته شد. در این اجتماع اعلامیه به زبان آلمانی پخش شد. این جنبشی است اجتماعی با پتانسیل بالایی برای یک دگرگونی اساسی نه تنها در آلمان بلکه در دیگر جوامع اروپایی مانند هلند، فرانسه و ایتالیا که متاسفانه به خاطر کمبود آلترناتیو سوسیالیستی و حزب آن،

شنبه ۲ اکتبر در برلین تظاهراتی بزرگ علیه قوانین جدیدی که قرار است از اول ژانویه ۲۰۰۵ به اجرا گذاشته شود به نام "هارتز فیر" برگزار شد. در این تظاهرات که تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران نیز فراخوان به آن داده بود جمعیتی بین ۴۵ تا ۵۰ هزار نفر شرکت کردند. این تظاهرات در ادامه تظاهراتی فراخوان داده شد که حدود دو ماه پیش علیه این قوانین شروع شده و هر هفته روزهای دوشنبه در شهرهای مختلف بخصوص در شرق آلمان برگزار شده است. قوانین "هارتز فیر"، قوانینی به شدت ضد حقوق اجتماعی



اقتدار پایین تا متوسط جامعه مانند سالمندان، بیکاران و اقشار کم درآمد است. از کوتاه کردن حقوق بیکاری، بازنشستگی، بیمه های درمانی و اجتماعی تا بالا بردن سن بازنشستگی و ساعات کار هفتگی به بیش از ۴۰ ساعت کار از جمله این قوانین میباشد. بر خلاف تصور دولت آلمان و رسانه های جمعی که «پایان اعتراضات» را اعلام کرده

این همه جمعیت در کنار هم گرد آمده بودند، به وجد آمده بودند. سخنرانانی از نمایندگان اتحادیه ها و احزاب چپ و مخالف دولت به نوبتهای کوتاه پشت تریبون قرار میگرفتند و به فراخوانی که داده بودند و جواب گرمی که از مردم دریافت کرده بودند احساس شادی و خوشحالی خود را بیان میکردند و بر ادامه مبارزه پای میفشردند!

فعالین حزب کمونیست کارگری ایران و بسیاری از ایرانیان مقیم هلند در این اعتراض شرکت داشتند. ما اقدام به پخش اعلامیه به زبان هلندی نمودیم که در جمعهای مختلف

خوانده میشد و مورد استقبال قرار میگرفت. همچنین با در دست داشتن پوسترهایی با عکس مارکس و پلاکاردی بزرگ با شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری، توجه ویژه ای را به خود جلب کرده بودیم. مردم هر یک به نحوی احساس هم نظری خود را به این شعار، با فشردن دست هایمان، با گرفتن عکسی با ما، با لبخندی، و بعضی ها با چشمکی، با ما اعلام میکردند. تظاهرات این روز در صدد اخبار همه رسانه ها، تلویزیونها و رادیوها قرار داشت. بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند که در ۱۳ سال اخیر بیسابقه بوده است.

از طرف دولت و جانشین نخست وزیر هلند، عکس العملی که نشان داد این بود که ما میتوانیم با اتحادیه ها دوباره به مذاکره بپردازیم اما برنامه و طرح ما همچنان سر جایش قرار دارد. "برنامه ما در ۱۰ سال آینده به نفع مردم خواهد بود!" دولت هلند مانند هر دولت بورژوازی دیگر سود و رونق سرمایه هایشان در اولویت حاکمیتشان قرار دارد، تنها با مبارزه ای مداوم، پیگیر و همه جانبه و طبعاً با همبستگی بین المللی کارگران و اعلام پشتیبانی از اعتراضات طبقه کارگر هلند میتوان دولت را به عقب نشینی وادار کرد، که این حمایت دست طبقه کارگر ایران را هم میبوسد. *



حزب کمونیست کارگری در این جوامع، پاسخ درست خود را نمیکرد. این باریست بر دوش ما که هر چه بیشتر و مصمم تر نوشته ها و عقاید منصور حکمت را در دسترس آنها قرار داده و پرچم کمونیسم کارگری را در این جوامع به اهتزاز در آوریم. *

بودند و سعی کردند با تضعیف روحیه عملاً از ادامه این تظاهرات جلوگیری کنند، تظاهرات هزاران نفره در برلین نشان داد که مردم همچنان معترضند و حاضر به عقب نشینی نیستند. در این تظاهرات اتحادیه های بزرگ کارگری مانند IG-Metall, GEW و

روزهای ویژه ای به تاریخ هر کشور یا هر جنبشی تبدیل میشوند. ۲ اکتبر یکی از این روزهای ویژه در تاریخ مبارزات کارگران و دیگر اقشار مردم هلند است. ۲ اکتبر روز نه گفتن به سرمایه داران و دولت حامی آنها بود که طرح صرفه جویی آنها همه دستاوردهای تاکنونی طبقه کارگر از ساعت کار و سن بازنشستگی تا آموزش و پرورش و دیگر خدمات اجتماعی را مورد حمله قرار میدهد. از تمام نقاط هلند از هر شهر و روستایی انتظار نزدیک شدن این روز کشیده میشد. از اولین ساعات صبح این روز جامعه هلند رنگ و تحرکی دیگر به خود گرفته بود. هر کسی پلاکاردی، بادکنکی، عکسی با خود آورده بود. ازدحام جمعیت در همه نقاط مشهود بود. تراکم جمعیت در ساعت های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ شدیدتر میشد. همه ایستگاههای قطار و مترو مملو از جمعیت تظاهر کننده بود. با وجود اینکه مرکز حمل و نقل، سرویسهای بیشتری را برای انتقال ۶۵۰۰۰ نفر بیشتر از میزان پیش بینی شده گذاشته بود، ولی باز هم کفایت نمیکرد. همه قطارها و مترو و اتوبوسها پر بودند و بسیاری سر پا ایستاده بودند. همه با عجله به مقصد واحدی میرفتند: "آمستردام!" همه هدف واحدی را تعقیب میکردند: "نه به سیاست ریاضت و صرفه جویی دولت و پارلمان!"

دوم اکتبر فضای سیاسی ویژه ای همه جا حاکم بود. هر کسی به نحوی میخواست نظرش را بیان کند، هر کسی به نحوی میخواست بگوید بله، من هم هستم، من هم مخالفم، من هم سهمی در این جنگ دارم! پیر زنی میگفت اینها میگویند فقط ۷۰ سال کار کن و بعد بمیر! معلم میانسالی میگفت من تنها به خاطر خودم به تظاهرات نیامم بلکه بیشتر در دفاع از شاگردانم که قربانی سیاست دولت میشوند! پیر مردی میگفت این تکرار دهه ۸۰ است که باز همین بلا را سرمان آوردند، آنوقت هم ما پیروز شدیم و آنها را سرجایشان نشاندم! هر لحظه به جمعیت اضافه میشد. جمعیت از نقاط مختلف شهر آمستردام مانند جویسباری خروشان به سمت میدان موزه museumplein در حرکت بودند. محل تجمع میدان وسیعی بود که در مقایسه با ازدحام جمعیت کوچک به نظر میرسید، تخمین تعداد شرکت کنندگان بسیار مشکل بود. هلیکوپترها بالای سر جمعیت در پرواز بودند و در حال گرفتن فیلم و عکس بودند. اتحاد غیر قابل توصیفی در میان مردم حاکم بود، همه هم درد بودند، همه هم احساس بودند، از اینکه

همایش دفاع از کودکان در سنندج برگزار شد

صدها کودک در خیابانهای سنندج راهپیمائی کردند

به گزارش کمیته کردستان حزب ۱۶ مهر ماه، میدان اقبال شهر سنندج شاهد همایش باشکوه حمایت از کودکان بود. از ساعت ۱۰ صبح این همایش با شرکت کودکان و بزرگسالان به حرکت در آمد. حدود ۴۰۰ کودک همراه بزرگسالان با در دست داشتن پلاکاردهای سرخ چهره شهر را رنگین تر کردند. شهر سرخ سنندج امروز هم عمق آزادیخواهی و انسانگرایی اش را به نمایش گذاشت.

پلاکاردهای سرخی که بر آنها شعارهای دفاع از حقوق کودکان نقش بسته بود در دستان کوچک کودکان و همراهی بزرگسالان عمق تغییر خواهی و برابری طلبی مردم را به نمایش گذاشت. شعارهای این همایش که در میدان اقبال با راهپیمایی وسیع مردم همراه بود، کل میدان را بسته بود. امکان عبور و مرور وسایل نقلیه برای چند ساعت نبود. همه مردم با شور و شغف این مارش عدالتخواهی را با احساسات گرم نسبت به بچه ها و نفرت از کودک آزاری، جامعه سرمایه داری و عاملین جنایت علیه کودکان را محکوم کردند. شعارهایی که بر پلاکاردها نوشته شده بود عبارت بودند از: استعمار کودکان ممنوع! کتک زدن ممنوع! ما کودکان قربانیان بیدفاع بیماری ایدز هستیم! و...
کمیته کردستان حزب در اطلاعیه دوم با عنوان "تلاش رژیم برای جلوگیری از همایش دفاع از کودکان در سنندج شکست خورد"، اضافه میکند:

همانطور که در اطلاعیه قبل به اطلاع رساندیم، امروز پنجشنبه ۴۰۰ نفر از کودکان و صدها نفر از والدین آنها و مردم سنندج در حمایت از کودکان دست به راهپیمائی زدند. راهپیمایان از خیابان حسن آباد بطرف میدان اقبال براه افتادند و در میدان اقبال تجمع کردند. نمایشگاهی در پمپ بنزین واقع در این میدان برپا شده بود که مجموعه ای از عکس و پوستر در مورد خشونت علیه کودکان را به نمایش گذاشته بود. پلاکاردهائی با

نامه سر گشاده عایشه جهانپور

به اتحادیه های کارگری، سازمانهای مترقی مدافع حقوق انسان و سازمانهای دفاع از حقوق زنان!



مجوز دولت بوده است. حالا میخواهند با منتسب کردن این کارگران به احزاب سیاسی احکام سنگین به آنها که جز شرکت در مراسم روز اول ماه مه روز جهانی کارگر جرمی مرتکب نشده اند باز کنند.

من بعنوان يك زن آزادیخواه و همسر کارگر مبارز و آزادیخواه جلال حسینی که گناهی جز شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و جز دفاع از حق خود و دیگر کارگران ندارد، از شما درخواست کنم تا با حمایتهای متحدانه خود بیش از قبل ما را یاری دهید تا همسر و فرزندانمان قربانی اعمال ضد کارگری مسئولان نشویم. آزادی بی قید و شرط این کارگران در گروی حمایتهای متحدانه شما کارگران و آزادیخواهان از ما و همسرانمان میباشد، در این امر مهم ما را یاری دهید.

با تشکر فراوان

عایشه جهانپور

همسر جلال حسینی

۱۱ مهر ۱۳۸۳

و پناه، کارگران و مردم طی تومارهایی اعتراضی خواهان آزادی آنان شدند. در خود سقز مردم بارها همراه ما خانوادههای این ۷ نفر در مقابل اطلاعات و دادسرا حضور یافتند. این کارگران بعد از ۱۲ روز با قید ضمانت سنگین از زندان آزاد شدند. به سهم خود از زحمات و حمایتهای بی دریغ شما اتحادیه ها، سندیکاها، و سازمانهای زنان و همچنین مردم دلسوز سقز و سایر شهرها که اشاره کردم قدردانی میکنم. اما مدتی پیش این کارگران و از جمله همسر من از طرف دادسرا احضاریهای دریافت کردهاند مبنی بر اینکه در تاریخ ۶، ۲۶، ۸۳ به دادگاه مراجعه تا به جرم همکاری و یا هواداری از جریانات سیاسی چون "کمونیسم کارگری" و "کومهله"

محاكمه شوند. این در حالی است که از اولین روز دستگیری تا آزادی آنها من شخصا بارها برای اطلاع از وضعیت پرونده همسر من به دادسرا سقز مراجعه کردهام و هر بار مسئولان دادسرا گفته اند جرم این کارگران برگذاری مراسم اول مه بدون

دوستان عزیزم! من عایشه جهانپور همسر جلال حسینی کارگر خباز سقز هستم که در اول مه ۱۳۸۳ به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر همراه جمعی زیادی از کارگران در شهر سقز دستگیر و روانه زندان شد، که به غیر از ۶ نفر از دوستانش به اسامی برهان دیوارگر، محمود صالحی، اسماعیل خودکام، هادی تنومند، محمدعبیدیپور و محسن حکیمی، خوشبختانه بقیه آزاد شدند.

اطلاع دارید که دستگیری آنها با مخالفت شدید شما کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر جهان مواجه شد. و در اعتراض به این مسئله صدها اتحادیه و سندیکای کارگری، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسان و سازمانهای دفاع از حقوق زنان در سراسر جهان با ارسال تومارهای اعتراضی به مسئولان جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این عزیزان شدند. در داخل ایران نیز مردم از سقز تا تهران، بوکان، سنندج و دیواندره و تا کامیاران و کرمانشاه

از صفحه ۱

ستون اول

اعتراض برعلیه فضای مختنق و بساط بسبجی و حراست حرف دل اکثر عظیم مردم است. دانشجویان چپ و کمونیست امروز باید در متن این مبارزات روشنائی را اتخاذ کنند که تماما علنی، توده ای و قابل دوام باشد. رهبرانی که در ابعاد وسیع و اجتماعی در میان دانشجویان محبوب اند و تمایلات و خواستههای دانشجویان را در سراسر کشور نمایندگی میکنند. هر دوره جنبش دانشجویی با رهبران و گرایشات سیاسی معینی نمایندگی میشود. ایندوره دوره کمونیستهاست. دوره هژمونی چپ است. یک شرط تثبیت و پیشروی چرخش به چپ در دانشگاهها داشتن چهره ای اجتماعی و توده ای است. رهبران نوین جنبش دانشجویان باید تضمین کنند که در دانشگاه کمونیسم حرف اول را میزند. *

از کمونیستها همین جریانات دستگامی تحکیم و شوراهای اسلامی و امثالهم را علم کردند تا بین "دانشگاه و حوزه" پیوند برقرار کنند؟! محیط علمی و آموزشی را خواستند با دنیای جهالت و حماقت آخوندی پیوند بزنند! نتوانستند. مهمتر اینکه به قول منصور حکمت دانشگاه در کشورهای استبدادی بطور طبیعی محلی برای رشد عقاید آزادیخواهانه و پیشرو و در راس آنها کمونیسم است.

کمونیسم در صحنه دانشگاهها با رهبری این اعتراضات برحق و مشروع دانشجویان است که میتواند مهر خود را بر اوضاع بکوبد. خواستههای رفاهی دانشجویان خواستههای واقعی و اساسی اند. اعتراض برعلیه جداسازی و آپارتاید اسلامی،

بدهند که گویا دانشجویان در "سرخوردگی" بسر میبرند و یا حجاریان که دانشجویان را دنبال نخود سیاه "کارتوریک" میفرستند، دانشجویان با روحیه ای بالا و با سیاستهای روشن و خواستههای مشروع و برحق، دانشگاهها را به صحنه کشمکش با رژیم اسلامی تبدیل کرده اند. دانشگاه مثل کل جامعه ایران به چپ چرخیده است. چپگرایی در دانشگاه زمینه روشنی دارد. در يك محیط علمی و آموزشی نمیتوان با خرافه و عقب ماندگی پیش رفت. وضعیت امروز سند شکست تمام عیار جمهوری اسلامی در دانشگاه است. در "انقلاب فرهنگی" جناب سرور و شرکا، دانشگاههای کشور را به میدان جنگ تبدیل کردند، بعد از دوره ای قتل و جنایت و نسل کشی

مردم آزاده سنندج!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری به شما درود میفرستد. شما با این همایش بار دیگر نشان دادید که خواهان يك دنیای بهتر برای کل جامعه هستید. این احساسات عمیق انسانی و اراده شما برای تغییر این اوضاع پیامی برای مردم دنیا دارد. پیام عدالت خواهی، پیام برابری طلبی و پیام نفرت از کودک آزاری. قطعاً مردم دیگر مناطق ایران و جهان این پیام شما را دریافت میکنند. ما همراه شما و هماهنگ با شما تلاش میکنیم که برای گسترش این شکل از مبارزه در ابعادی گسترده تر تلاش کنیم. ما پیام شما را به جهانیان میرسانیم. از همه مردم آزادیخواه میخواهیم که در دفاع از کودکان تجربه مردم سنندج را ارج نهند و برای گسترش آن تلاش کنند. اطلاعات بیشتر از این همایش بعداً به اطلاع میرسد.

بشناسیم، بلکه از آتروست که این ارزیابی به ما امکان میدهد که یکبار دیگر به بررسی تلاشهای اپوزیسیون راست و جوهر آلترناتیوهای آن در این برهه از تحولات سیاسی جامعه بپردازیم و مختصات حرکت کنونی این اپوزیسیون را مورد بررسی و نقد قرار دهیم.

"هخا" محصول نوین گرایش راست

"هخا" با تمام وجوهاتش بیانگر موقعیت کنونی آلترناتیو راست محافظه کار و پرو غربی در جامعه است. نه تنها تمامی مختصات عمومی و تاریخی داده شده این گرایش ضد انقلابی در اپوزیسیون را در خود دارد بلکه ویژگی های معاصر این اپوزیسیون دست راستی را، پس از تحولاتی که منجر به چرخش جامعه به "چپ" شده است، نیز بیان میکند. هخا نمونه امروزی گرایش راست در اپوزیسیون است. محصول و تولید جدید این اپوزیسیون است. از دریچه بررسی پروژه "هخا" میتوان به دنیای درونی و تمایلات کنونی این طیف دست راستی در شرایط حاضر بیشتر پی برد. یک ویژگی عمومی گرایش کنسرواتیو و دست راستی اپوزیسیون، عظمت طلبی و ناسیونالیسم بغایت نژادپرستانه آن است. "هخا" این ویژگی را به حد مذهبش در خود داشت، یک ناسیونالیست افراطی بود. ناسیونالیسم خود یک گرایش سیاسی ارتجاعی و عقب مانده است. کهنه و ضد انسانی است. ناقض برابری جهانشمول انسانهاست. "هخا" اما یک ناسیونالیست افراطی است. زشتی و کراهت سیاسی و اجتماعی ناسیونالیسم را به عرش اعلی رسانده است. مبلغ یک نژاد پرستی عریان آریایی طوق است. "هخا" از این لحاظ استثنایی در جنبش ناسیونالیستی نبود. مکنونات قلبی بخشهای وسیعی از اپوزیسیون دست راستی را بیان میکرد. اپوزیسیون محافظه کار علی العموم نژاد پرست و عظمت طلب و افراطی است.

در سطح جهانی، گرایش راست طرفدار سیاستهای دول مرتجع و دست راستی غرب و آمریکا است. طرفدار بی قید و شرط هژمونی سیاسی و اقتصادی و نظامی غرب در تحولات سیاسی ایران است. به این اعتبار طرفدار غرب است. بیانگر و نماینده ارتجاع کاپیتالیسم جهانی و آمریکا است. هخا بطور زمختی این سیاست را بیان میکرد. آشکارا خواهان مداخله نظامی آمریکا در تحولات سیاسی و لشکر کشی به ایران بود. سرمایه سیاسی اش بر پایه های تخصص دول آمریکا و غرب با رژیم اسلامی استوار بود. "تفنگداران آمریکایی" آن نیروی "رهائی بخشی" بودند که قرار بود "هخا" را به ایران برسانند. "هخا" دنباله روی و دفاع علنی و همه جانبه این جریانات راست از سیاستهای آمریکا را به التماس و استغاثه از هیات حاکمه آمریکا برای حمایت از پروژه راست تبدیل کرد. این شتاب بیش از هر چیز نشان استیصال جریانات راست در مواجهه با تحولات سیاسی ایران است. زمان علیه شان در حرکت است.

یک ویژگی عمومی تمامی گرایشات دست راستی جامعه بازگشت به گذشته سیاسی تاریخ سیاسی ایران است. میکوشند تا گذشته و دوران سیاه سپری شده را از تاریخ بیرون بکشند و در مقابل آینده جامعه قرار دهند. "هخا" این گرایش را تماما منعکس میکند. هخا خود را سلطنت طلب میدانست. به سلطنت و نظام استبدادی سلطنت پای بند و وفادار بود. اراجیف "هخا" قرار بود تا مشروعیتی بر جریان سلطنت طلبی در جامعه باشد. "حکومت سایه خدا" جایگزین "حکومت خدا" شود. اما به همان اندازه بی شانس و بی افقی جریان سلطنت طلبی را در متن بیزاری ریشه دار مردم از پدیده سلطنت نشان میداد. "هخا" مانند تمامی گرایش راست، ضد انقلاب و تحول رادیکال مردم بود. غیر از این هم نمیتوانست باشد. لازم نیست دانشمند علوم سیاسی بود تا به این واقعیت سیاسی پی برد. رفراندوم و نافرمانی مدنی دو رکن اساسی سیاست راست و بورژوازی در رو در

رویی با انقلاب و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی است. نافرمانی مدنی قالب و ظرفی برای مقابله با انقلاب و اراده مستقیم کارگر و مردم آزادیخواه در تحولات حاضر است. از نقطه نظر این گرایشات مبارزات مردم نباید بنیادهای سیاسی و اقتصادی مناسبات حاکم را زیر ضرب خود قرار دهند. باید این مناسبات با حداقل تغییر و زیر و رو شدن به جناح دیگری از نمایندگان سیاسی طبقه دارای جامعه منتقل شوند. "هخا" مانند هر عوامفریب پوپولیستی به مردم رجوع میکند تا مردم را سکوی پرش آلترناتیو راست برای پیشروی در جامعه قرار دهد. "هخا" یک سمبل ارتجاع مذهبی و خرافاتی بود. مذهبی دیگر و خرافاتی از نوع دیگر. اگر اسلام زیر ضربات مردمی قرار دارد که خواهان بزیر کشیدن حکومت اسلام هستند، اگر اسلام زبانی یک واقعیت عظیم و انکار ناپذیر در تحولات سیاسی جامعه است، اگر مذهب رسمی کنونی حیاش رنگی ندارد، نتیجتاً باید با بسته بندی و زوروق ارتجاع مذهبی دیگری وارد میدان شد. "خدای ایران"، "خدای اهورا"، "انرژی هخا"، آن مجموعه مزخرفاتی است که قرار است نقش اسلام را در تحمیق و تسلیم مردم ایفا کند. مردم را به تسلیم در مقابل تقدیری که جریانات راست در مقابل جامعه قرار میدهند، وادار کند. گویا آرامگاه کورش و داریوش باید جایگزین مقبره محمد و علی و حسین شود. اما "هخا" در عین حال محصولی تازه و نو در جنبش کنسرواتیو راست است. "هخا" ظرفیتهای جدید راست را در شرایط حاضر عریان کرد. در عین حال ابعادی جدید به این ظرفیتهای بخشید. عوامفریبی و استیصال افراطی. کودنی سیاسی بی حد و حصر. ضدیت و مقابله آشکار و عمیق با برابری طلبی و آزادیخواهی جامعه. "هخا" محصول دوران پس از ۱۸ تیر ۸۲ و پس از شکست سیاست رژیم پنج آمریکا است. جامعه ای که به چپ چرخیده است. از اینرو مستاصل و زبون است. جامعه ای که امثال "هخا" در آن فقط میتوانند در بهترین حالت یک سرگرمی سیاسی، یک دروغ سیزده، در دوران حاکمیت تباهی باشند. هخا آینده تحركات سیاسی راست

جامعه را نشان میدهد.

"هخا" یا دور جدیدی از اعتراضات

"هخا" آغازگر و موجد اعتراضی نبود. یک بهانه کمیک برای اعتراض بود. در جامعه ای که یک تصادف رانندگی ساده به قول دوم خردادیها منجر به تظاهرات و جاده بندان علیه رژیم اسلامی میشود، هخا فقط میتوانست بهانه ای تمسخر آمیز باشد. آن جریانات کودن سیاسی که از تحرك سیاسی "هخا" به هراس افتادند، جامعه و دینامیسم تحولات آن را نشناخته اند. مردم و موقعیت جنبشهای اجتماعی را نمیشناسند. واقعیت این است که جامعه ایران مدتهاست در تب و تاب مبارزه میسوزد. در یک بحران و فلج اقتصادی و سیاسی و فرهنگی بسر میبرند. مترصد فرصتی برای ابراز وجود و اعتراض است. رژیم اسلامی توانست با سرکوب و بگیر و ببند ۱۸ تیر را سالم از سر بگذراند. گرفت و اعدام کرد. شلاق زد و به زندان انداخت، اما قادر نشد مرعوب کند. و با بازگشایی مراکز تحصیلی دور جدیدی از اعتراضات شکل گرفت. بخشهای مختلف جامعه دست به اعتراض زدند. شهرهای مختلف اکنون شاهد اعتراضات معلمان، شورشهای زحمتکشان شهری، و تظاهراتهای جوانان هستند. حتی تولد "مهدی موعود" هم بهانه ای برای درگیری با رژیم مهدی و امام زمان است. هخا میکوشید بر این اعتراضات سوار شود تا خود و آلترناتیو راست را مطرح کند. تا بار دیگر با استیصال جهشی به جلو کنند و عقب ماندگی خود را جبران کنند. تا مجوزی برای تحرك و توجه دول غربی از پروژه راست فراهم کند. "هخا" بر خلاف تصور ساده لوحان سیاسی از منظر مردم بیانگر آمال و آرزوی هیچ بخشی برای آزادی و برابری نبود. مردمی که دست رد بر سینه خدا و پیغمبر و اسلام و امام زمان زده اند، مردمی که هر روز قولین اسلامی را زیر پا له میکنند، مردمی که از حجاب و اختناق اسلامی بیزارند، به دنبال امام زمان دیگری نیستند. حکومت سایه خدا را هم نمیخواهند. جامعه را نباید با دارالمجانین اشتباه گرفت. مردم توهمی به هخا نداشتند. هخا

برایشان يك بازیچه سیاسی بود. همانگونه که توهمی به میبانی حرکت دوم خرداد نداشتند. این رویدادها برای مردم نقش ابزاری دارند. هدف نیستند. مردم توهمی به هخا نداشتند. سرگرم شدند. اما بخشهایی از اپوزیسیون کودن، نگران و مضطرب در هراس از تقلابهای "هخا" به موضعی کاملاً ارتجاعی درغلطیدند. فراخوان عدم اعتراض برای مردم صادر کردند. خانه نشینان از مردم خواستند که خود خانه نشین شوند.

درسهای یک تجربه

"هخا" به سرعتی که آغاز کرده بود به همان سرعت هم تمام شد. سریعتر از برفهای بهاری. سرنوشت "هخا" سرنوشت بسیاری از پروژه های دست راستی و تقلابهای آنها در جامعه است. آلترناتیو "هخا" نشان استیصال و زبونی جریانات دست راستی و ناسیونالیست است. "هخا" پروژه ای مضحک بود نه از آن رو که مرزهای عوامفریبی و شارلاتانیسم مخدوش و تیره اند، بلکه به این علت که تنها شکل ارائه آلترناتیوی که مردم دست رد به سینه آن زده اند، فقط میتوانست اشکالی کمیک و مضحک باشد. جریانات راست چاره ای جز ظاهر شدن در این قالبها و موتاسیونهای از این نوع ندارند. باید مضحک باشند تا شاید جایی در ذهن مردم بازی کنند. پروژه "هخا" نشان داد که به هر میزان که مردم جریانی را طرد میکنند، دست رد بر سینه اش میزند، این جریانات برای ابراز وجود قالبهای ارتجاعی تر، عقب مانده تر و عوامفریبانه تر بخود میگیرند. هخا شکست خورد. چرا که سمبل حرکت و اقدامی برای مردم آزادیخواه نبود. بهانه بود. کسی واقعی به جست و خیزش نگذاشت. "هخا" تلاشی برای طرح مجدد جریان راست در بستر اصلی مبارزه سیاسی ایران بود. هخا شکست خورد. شکست هخا اما شکستی برای جریانات دست راستی و افراطی بود. آن جریانات فاشیستی سلطنت طلبی که به دنبال "انرژی" "هخا" براه افتادند، به همراه "هخا" و در "انرژی" هخا سوختند. هخا تمام شد. یکی دیگر از پروژه های سیاسی راست برچیده شد. *

اعتصابات دانشجویی سراسر کشور را فرامی گیرد!

هزاران دانشجو علیه فشارهای رژیم

در ارتباط با حجاب و جداسازی دختر و پسر در اعتراض بسر میبرند

به گزارش سازمان جوانان کمونیست اعتصاب و اعتراض هزاران نفره دانشجویان دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان برای چندمین روز ادامه دارد. روز ۱۶ مهر ماه نیز دانشجویان این دانشگاه از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند و با اجتماع در سالن اجتماعات دانشگاه به اعتراض خود ادامه دادند. اعتراض دانشجویان خوراسگان از روز ۱۴ مهرماه و بدنبال تشدید فشار بر دانشجویان برای رعایت حجاب اسلامی و جدا سازی دانشجویان پسر و دختر شروع شد. بیشتر دانشجویان این مجتمع عظیم دانشگاهی که به شهرکی شبیه است، دختر هستند. تضیقات تشدید شده علیه دانشجویان توسط مهره ای از رژیم اعمال می شود که "معمار" نام دارد. این زن، که مسئول انتظامات دانشگاه است، در میان دانشجویان بشدت منفور است. با اینحال دانشجویان گفته اند که مشکل آنها فقط معمار نیست بلکه حکومت اسلامی است! دانشجویان خواهان پایان دادن به فشار برای رعایت حجاب اسلامی و سختگیری در باره ارتباط دانشجویان دختر و پسر هستند!

دانشگاه آزاد نجف آباد: بنا به

خبر دریافتی مامورین جمهوری اسلامی اسامال سختگیریهایی زیادی در باره پوشش دانشجویان و همینطور جداسازی دختران و پسران اتخاذ کرده اند که این با اعتراض دانشجویان روبرو گردیده است. روز ۹ مهرماه، دانشجویان در اعتراض به جداسازی اتوبوسها از سوار شدن به آنها امتناع کردند و بمدت دو ساعت به اشکال مختلف ناراضیاتی خود را ابراز داشتند. برخی از میان جمعیت انبوه دانشجو فریاد می زدند "آپارتاید نابود باد!" و دیگران با تحقیر و مسخره کردن سران جمهوری اسلامی، نفرت و انزجار خود را از جداسازی اتوبوسها به نمایش می گذاشتند. بنا به خبر در پی این اعتراض، شماری از دانشجویان معترض که تعداد آنها به ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر می رسد معلق شده اند و به کمیته انضباطی دانشگاه برای تعیین تکلیف و وضعشان معرفی شده اند. همچنین وضعیت تحصیلی حدود ۱۵۰ نفر از دانشجویان پرستاری این دانشگاه بدلیل "بدحجابی" به حالت تعلیق درآمده است. خاطر نشان کنیم که دانشگاه

آزاد نجف آباد بعنوان دانشگاهی که دانشجویان آن مقررات اسلامی را نادیده می گیرند، مشهور بوده است.

دانشگاه تربیت معلم سبزوار:

طی روزهای ۱۲ و ۱۳ مهرماه دانشجویان این دانشگاه در اعتراض به کمبود امکانات آموزشی، سرویس دهی و مسیرهای حرکت سرویسهای دانشگاه، افزایش قیمت رتونهای سلف سرویس و وضعیت نامناسب خدمات خوابگاهی و غیره کلاسهای درس را تعطیل کردند. دانشجویان با اجتماع در محوطه دانشگاه خواستار استعفا میبران دانشگاه شدند. در دومین روز اعتصاب، دانشجویان ضمن تعطیل کردن کلاسهای درس به نشانه اعتراض غذاهای سلف سرویس را در محوطه دانشگاه، راهروها و پله ها قرار دادند.

دانشگاه گیلان: روز ۱۴ مهرماه

حدود ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه گیلان در حرکتی متحدانه خواستار استعفای احمدی رییس دانشگاه شدند. اعتراض در روزهای قبل در دانشگاه در جریان بود. اما آنچه که خشم دانشجویان را بیشتر شعله ور کرد مرگ يك دانشجوي دختر بنام عمویور در اثر تصادف با يك ماشين بود. دانشجویان معتقدند که اگر مسئولین دانشگاه برای تردد دانشجویان اقدام به ساختن يك پل هوایی می کردند، مرگ این دانشجو قابل پیشگیری بود. خاطر نشان کنیم که روز ۸ مهرماه دانشجویان این دانشگاه به علت جو پلیسی شدید، تعدیات انتظامات دانشگاه و کنترل دانشجویان و همچنین گران شدن ۲۵ درصدی رتونه غذا، کمبود امکانات در خوابگاه و گران شدن خوابگاه، کم شدن سرویس ها و برخی مطالبات دیگر دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

دانشگاه علامه طباطبایی: ۱۵

مهرماه دانشجویان در اعتراض به حذف خوابگاههای این دانشگاه اعتراض کردند و از مسئولین خواستند که برای تامین خوابگاه

نعمت اله شکاری

قربانی شرایط ناامن کار شد!

کشته شدن کارگران در محیط های کار باید با

اعتراض کوبنده کارگران سراسر کشور پاسخ گیرد!

همکاران او تسلیم می گوید. حزب کارفرمایان سوذجو و جمهوری اسلامی را مسبب مرگ نعمت و صدها کارگری میدانند که هرساله جان خود را در محیط های کار از دست میدهند. حزب کارگران کارخانه سیمان شمال سپید دماوند و در حین تراشکاری کارخانه بود و در حین کار با دستگاه تراش، بدور دستگاه پیچید و گردن وی از قسمت بالای سینه قطع شد. جسد وی تا مدتها برای رسیدگی به این حادثه دلخراش در دستگاه تراش قرار داشت. این پایان غم انگیز و تکان دهنده زندگی کارگری بود که پس از ۲۷ سال سابقه کار، طعمه دستگاه تراش شد. اما دستگاه تراش در این مورد بی تقصیر است. عامل مرگ نعمت و هزاران کارگر دیگری که در سوانح کار جان خود را هر روزه از دست می دهند و یا نقص عضو میشوند، سرمایه دارانی هستند که رعایت ضوابط ایمنی در محیط های کار کمترین مشغله آنهاست. عامل این فجاج حکومت اسلامی سرمایه داران است که کوچکترین اعتراضی برای بهبود شرایط کار را سرکوب میکنند.

حزب کمونیست کارگری ایران مرگ دلخراش نعمت شکاری را به خانواده و بستگانش و همینطور

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

مورد نیاز دانشجویان سریعا اقدام کنند. همینطور ۶۵۰ نفر دانشجوی دختر ساکن خوابگاه سلامت وابسته به همین دانشگاه در اعتراض به وضعیت نامناسب خوابگاه و امکانات رفاهی در حیط خوابگاه اجتماع کردند.

تجمعات سراسری معلمان آغاز شد



نمیروند و به دانش آموزان گفته اند که میتوانید در خانه بمانید و به مدرسه نیائید. روز ۱۳ مهر، روز معلم، اکثر مدارس در سه منطقه شهر به حالت اعتصاب درآمد و بیش از ۱۰۰۰ نفر از معلمان در مقابل اداره کل آموزش و پرورش در منطقه فرهنگیان فاز یک دست به تجمع اعتراضی زدند و اعلام کردند تا احقاق مطالبات خود به اعتراض ادامه خواهند داد. و این در شرایطی بود که نیروهای سرکوبگر رژیم منطقه را در محاصره خود داشتند. امروز ۱۴ مهر همچنان اعتصاب معلمان کرمانشاه ادامه دارد. معلمان تصمیم دارند حداقل تا آخر این هفته اعتصاب را ادامه دهند. همینطور در سیزدهم مهر ماه در زنجان صدها نفر از معلمان در مقابل سازمان آموزش و پرورش اجتماع کردند.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از مطالبات برحق معلمان حمایت میکند. حزب معلمان سراسر کشور و کلیه مراکز آموزشی را بر تداوم یکپارچه و قدرتمند اعتصابات و تجمعات خود فرامیخواند. حزب از دانش آموزان، خانواده های آنها، و از همه کارگران و دانشجویان میخواهد که با تمام قوا از خواسته های معلمان به هر شکل که میتوانند حمایت کنند و به تجمعات آنها بپیوندند.

۱۴ مهرماه ۱۳۸۳

از بعدازظهر ۱۳ مهرماه، مصادف با روز جهانی معلم، معلمان در شهرهای مختلف کشور دست به تجمع در مقابل ادارات آموزش و پرورش زدند و بر خواسته های خود از جمله افزایش بالای حقوقها، وام مسکن و غیره پافشاری کردند. مدارس برخی شهرها تعطیل شد، در برخی شهرها دانش آموزان نیز به اعتصاب پیوستند و در اردبیل معلمان اعلام کردند به مدت یک هفته دست به اعتصاب خواهند زد. دانش آموزان سه مدرسه در لوسانات نیز بعلت نداشتن معلم دست به تجمع اعتراضی زده اند.

طبق گزارش روزنامه های جمهوری اسلامی، دیروز مدارس اصفهان، نجف آباد، خمینی شهر، کرمانشاه، گیلان غرب، مریوان، اردبیل، بجنورد، کرمان، شیراز و قم مدارس را تعطیل کرده و در مقابل اداره آموزش و پرورش در شهرهای خود تجمع کردند. در اصفهان طبق گزارشی که به حزب رسیده است معلمان دهها مدرسه، عمدتاً دبیرستانها و پیش دانشگاهی ها، از بعداز ظهر دیروز دست به اعتصاب زدند. بخش اعظم مدارس نواحی دو و پنج تعطیل شد.

حزب در اطلاعیه دیگری به تاریخ ۱۴ مهر عنوان میکند که اعتصاب معلمان کرمانشاه که از روز ۱۱ مهر شروع شده است همچنان ادامه دارد. معلمان در مدرسه حاضر میشوند اما به کلاس

قاتل شهاب حسینی را مردم ممسنی شناسائی کردند حداقل ۶۰ نفر از مردم ممسنی در زندان هستند

مهرماه از پشت بام ساختمان دادگاه به مردم تیراندازی کرده بودند. این ۵ نفر همگی درجه دار سپاه هستند و مردم یکی از آنها بنام امیری را که شهاب حسینی، دانش آموز ۱۷ ساله، را به قتل رساند شناسائی کرده اند. شهاب حسینی جوان بسیار محبوب در میان مردم ممسنی در جریان حمله به یک عکاسی متعلق به برادران بوستانی، صاحبان صندوق قرض الحسنه ذوالفقار که میلیونها تومان پول مردم را بالا کشیده است، جان باخت.

حزب در گزارش دیگری در ۱۱ مهرماه خبر میدهد که دو هزار نفر در مراسم تدفین شهاب حسینی در نورآباد شرکت کردند. روز چهارشنبه ۸ مهرماه جسد شهاب حسینی، نوجوان ۱۷ ساله ای که توسط مزدوران حکومت اسلامی به قتل رسیده بود، از شیراز به نورآباد و سپس به روستای عالی وند منتقل شد تا در آنجا به خاک سپرده شود. مردم شهر نورآباد با شنیدن خبر با ماشین و موتور خود را به ماشین حامل جسد شهاب رساندند. مردم با بیش از صد ماشین و تعدادی موتور سیکلت خود را به عالی وند رساندند. مردم روستان عالی وند و چند روستای اطراف آن نیز بر مزار شهاب گردآمدند. جمعیت به بیش از دو هزار نفر رسید. سرکوبگران جمهوری اسلامی که نگران حضور این جمعیت بودند، به این بهانه که مراسم اسلامی نیست با تیراندازی هوائی شروع به تهدید مردم کردند و مردم را مجبور به ترک محل کردند. لازم به توضیح است که هنوز اجساد سایر جانباختگان اعتراض هفتم

حزب در ۱۴ مهر ماه گزارش میدهد که فضای نورآباد ممسنی همچنان متشنج است. مردم منتظر فرصتی برای نشان دادن خشم و انزجار خود هستند. روز ۱۴ مهر علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوب، مجدداً سپرده گذاران صندوق قرض الحسنه ذوالفقار در مقابل دادگستری این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. نیروهای سرکوب تعدادی از مردم بویژه جوانان را دستگیر کردند. در حال حاضر حداقل ۶۰ نفر از مردم ممسنی، عمدتاً جوانان، در بازداشت

بسر میبرند و علیرغم تلاش مردم هنوز جای آنان معلوم نیست. از قول قاضی دادگاه گفته میشود که از اعدام تا زندان و جریمه های سنگین در انتظار بازداشت شدگان است. مقامات حکومت که از خشم مردم و زمینه های اعتراض وسیع در این شهر مطلعند، نیروهای سرکوب زیادی به این شهر اعزام کرده اند. در نقاط حساس شهر اتوبوسهایی که موقع دستگیری های وسیع مورد استفاده قرار میگیرد مستقر شده است. شهر حالت حکومت نظامی دارد و عبور و مرور به این شهر و در داخل شهر همچنان تحت نظر قرار دارد. در روزهای اخیر جریمه های سنگینی بدون هیچ بهانه ای از رانندگان وسائط نقلیه اخذ کرده اند. ماموران رژیم گفته اند که هزینه خرابی های روز ۷ مهرماه را از جریمه های سنگینی که به مردم میبندند تامین خواهند کرد. این مساله نیز خشم و نفرت مردم را تشدید کرده است.

در اطلاعیه های قبل اطلاع دادیم که ۵ نفر از افراد رژیم روز ۷

رادیو انترناسیونال
۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز
هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید!

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

"اسلام ناقض حقوق زنان است" تظاهراتی باشکوه در برابر محل اعطای جایزه به شیرین عبادی



و سیاست "تسبیت فرهنگی" در غرب پرداخت و گفت: مردم ایران اجازه نمیدهند طرح نجات حکومت سنگسار و قصاص به جایی برسد. مردم این حکومت را به زیر خواهند کشید. نازنین برومند و نسرين رمضانعلی و علی مرادی نیز علیه طرحهایی که برای نجات اسلام و حکومت اسلامی در پیش گرفته شده به افشاکاری و اعتراض پرداختند. تصاویر بزرگ مارکس و منصور حکمت که در برابر سالن به اهتزاز در آمده و پلاکاردهایی که بر روی آنها نوشته شده "حقوق انسان جهان شمول است" و "اسلام ناقض حقوق زنان است" و "آزادی برابری حکومت کارگری" فضای باشکوه و رزمنده ای به تظاهرات داده است. در حین تظاهرات خبرنگارانی که در داخل سالن بودند از پشت پنجره ها از تظاهرات فیلمبرداری میکردند و در بیرون نیز با کادرهای حزب مصاحبه های متعددی توسط خبرنگاران صورت گرفت. *

اسلامی که علیه سنتها و قوانین ضد بشری اسلامی بر خاسته اند. در درون سالن شماری سردمداران حکومت آلمان از جمله شرودر صدر اعظم این کشور جمع شدند تا با اعطای جایزه ای دیگر به شیرین عبادی بخاطر مجاهداتش بعنوان يك "زن مسلمان" پروژه صلح نوبل را تداوم بخشند. تظاهرات حزب کمونیست کارگری ایران در بیرون سالن "کوپر سال" با سخنرانیهای افشاکرانه مینا احدی، نازنین برومند، نسرين رمضانعلی و علی مرادی به زبانهای فارسی و آلمانی، تا همینجا این نمایش را نیز با ناکامی مواجه ساخته است. توجه وسیع مردم به سخنرانیها و توجه وسیع مدیای بین المللی به این تظاهرات، یاد آور تظاهراتی مشابه این در سال گذشته در شهر اسلو در نورژ است که انعکاسی بین المللی یافت. مینا احدی در سخنرانش به افشاکاری از جمهوری اسلامی و قوانین اسلامی

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران خبر میدهد که روز ۱۶ مهر ماه به فراخوان حزب در برابر سالن "کوپر سال" در شهر هانوفر آلمان، تظاهراتی علیه جمهوری اسلامی و علیه قوانین و سنتهای اسلامی برگزار شد. این تظاهرات توجه بسیاری از مردم را به خود جلب کرد. خبرنگاران متعددی از روزنامه ها و رسانه های بزرگ آلمانی و بین المللی از این تظاهرات مشغول تهیه رپورتاژ و فیلم برداری بودند. این تظاهرات اعتراضی است به تلاشی که مقامات آلمان و دولتهای غربی برای دفاع از قوانین اسلامی و "اسلام اهلی" و جمهوری اسلامی در پیش گرفته اند و با تجلیل از دفاع شیرین عبادی از حقوق بشر و "اسلام میانه رو" میخوانند به افکار عمومی دنیا بقبولاند که "قوانین اسلامی با حقوق بشر تناقضی ندارد". این تلاشی است علیه جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران علیه جمهوری

برخورد فاشیستی به شهروندان افغانی موقوف!

و سالهاست که در ایران ساکن هستند، عامل بدبختی های مردم معرفی کنند. تقصیر را از شان سرمایه داران، کارفرمایان و دولت اسلامی که گروه گروه کارگران را بیکار می کنند و عامل سیه روزی جامعه هستند، بردارند و خشم مردم را متوجه انسانهایی کنند که خود ضعیف ترین بخش جامعه و قربانیان آن هستند.

در مقابل این سم پاشی جمهوری اسلامی علیه شهروندان افغانی باید هرگونه برخورد تبعیض آمیز به شهروندان افغانی باید بلافاصله موقوف گردد. در مقابل این اقدامات تفرقه اندازانه جمهوری اسلامی، این وظیفه مردم آزادیخواه و کارگران سوسیالیست و پیشرو است که مبلغ روحیه همسر نوشتی، اتحاد و پیوندهای مبارزاتی باشند. حزب کمونیست کارگری مدافع برابری کامل حقوقی همه کارگران در کشور، مستقل از تابعیت، ملیت، مذهب، جنسیت و غیره است حزب از حق شهروندی کامل مهاجرین افغانی در ایران حمایت میکند و همه کارگران و مردم آزادیخواه را به دفاع از افغانستانیهای ساکن کشور و حق شهروندی آنها در مقابل اقدامات و تحریکات فاشیستی جمهوری اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مهرماه ۱۳۸۳

رئیس شورای اسلامی شهرداری منطقه ۸ تهران گفته است که "شهرداری حق استخدام کارگران افغانی و هیچگونه فردی با تابعیت خارجی را ندارد." این فاشیست اسلامی تهدید کرده است که "در صورت بکارگیری کارگر غیر ایرانی در شهرداریها، مطابق دستورهای صادر شده به این موارد برخورد شدید خواهد شد."

برخوردهای فاشیستی جمهوری اسلامی و دامن زدن به تبلیغات تحریک آمیز علیه شهروندان افغانی از بدو سر کار آمدن جمهوری اسلامی در دستور این حکومت قرار گرفته است. مردم زحمتکش و شهروندانی که در بدترین شرایط برده وار کار میکنند و اخیرا هم موانع زیادی بر سر راه تحصیل فرزندانشان گذاشته اند، شایسته بیشترین حمایت و احترام مردم و کارگران سراسر کشور هستند. فاشیست های شوراها و اسلامی ظاهرا بر روی ایجاد تفرقه میان کارگران حساب باز کرده اند. می خواهند نشان دهند که کارگر "خارجی" و کارگر "افغانی" رقیب کارگر "ایرانی" است. می خواهند عامل بیکاری را کارگر "افغانی" معرفی کنند و حکومت شان را از زیر ضرب مردم در ببرند. می خواهند انسانهای شریفی را که بدلیل سالها جنگ و حاکمیت اسلامیها، از کشور خود گریخته اند



از سایت حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید:

www.wpiran.org

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: horizontal

به حزب کمونیست کارگری ایران کمک مالی کنید!

با کمک تلویزیون کانال جدید کارخانه ها را برای کارفرمایان ناامن میکنیم

برای رادیو و تلویزیون انترناسیونال خبرنگاری کنید!

این یک عرصه مهم فعالیت سیاسی است

کشور باید صدها نفر مشغول ارسال خبر و گزارش به تلویزیون انترناسیونال و رادیو انترناسیونال باشند. شبکه های خبری و خبرنگاری در هر کارخانه و منطقه ای باید به همت مردم آزادیخواه و سوسیالیست شکل بگیرد. هر کارگر مبارز و رهبر کارگری، هر فعال اعتراضات دانشجویی و هر معلم و پرستار سوسیالیست و آزادیخواهی باید این رسانه ها را تغذیه کند و خبرنگار فعال و خوبی برای این رسانه ها باشد. هر دوستدار و فعال حزب باید با تمام قوا به این امر مهم یاری رساند، خبرنگار این رسانه ها شود و دیگران را به اینکار تشویق کند.

رادیو انترناسیونال و تلویزیون انترناسیونال باید پرشنونده ترین، پربیننده ترین و محبوب ترین رسانه های این کشور بشوند. باید صدای کمونیسم و آزادیخواهی را همه بشنوند و با شخصیت های آن آشنا شوند. تلویزیون انترناسیونال و رادیو انترناسیونال باید در هر خانه ای دیده و شنیده شود. اینها از ابزارهای مهم مبارزه مردم برای سرنگونی ارتجاع اسلامی و برای رسیدن به یک زندگی انسانی است. در انقلاب ۵۷ رادیو دست راستی و مرتجعی بنام بی بی سی ابزار حقنه کردن اسلامی ها به مردم ایران شد. امروز حزب کمونیست کارگری و رسانه های سوسیالیست و آزادیخواه آن باید چنان مورد حمایت و توجه مردم قرار گیرند که هیچ مرتجعی نتواند مجدداً مبارزات مردم را به بیراهه بکشد. هر انسان شریفی که آزادی و رفاه و برابری میخواهد، باید با تمام وجود به این رسانه ها کمک کند. تبلیغ این رسانه ها، کمک مالی به این رسانه ها و ارسال خبر و گزارش برای آنها یک امر مهم برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برای تحقق آزادی و برابری، برای پیروزی سوسیالیسم و انسانیت است.

برای رادیو و تلویزیون انترناسیونال خبرنگاری کنید.

انترناسیونال

هائی در دست کمونیستها است که قادرند بیست و چهار ساعت این افکار را در دسترس جامعه قرار دهند. ما پول و امکانات طبقه حاکم را نداریم اما ما چیزی داریم که آنها ندارند و همین دلیل رشد ما و محبوبیت رسانه های ما است. ما حقیقت را بیان میکنیم، ما از مسائلی صحبت میکنیم که بطور سیستماتیک سانسور میشوند، ما زبان کارگران و مردم محروم هستیم، ما صدای جوانان و آزادیخواهانیم، رسانه های ما تریبون آزادی و عدالت و برابری اند، علیه خرافه اند، راه بنای جامعه ای انسانی و رسیدن به آترا هموار میکنند.

تلویزیون انترناسیونال و رادیو انترناسیونال به هیچ خبرنگاری حقوق نمیدهند اما بیش از هر رسانه ای باید خبرنگار داشته باشند. لازمه یک رسانه جذاب و توده ای اخبار و گزارشات زنده و هرروزه از محیط زندگی مردم است. رادیو و تلویزیون انترناسیونال باید هرروزه از کارخانه ها و ادارات تا محلات و فضای عمومی شهرها، از دانشگاهها و مدارس تا بیمارستانها و پادگانها و از تظاهرات و اعتصابات اخبار و گزارشات زنده و دقیق داشته باشد. باید هر کس که پیچ این رسانه ها را باز میکنند ببینند که دارد از زندگی و از مبارزه اش میگوید و تصاویر زنده از آنها پخش میکند. کارگری که میخواهد اخبار مبارزه اش به گوش دیگران برسد، پرستاری که مطالباتش سانسور میشود، معلمی که اعتراضش سرکوب میشود و در رسانه های حاکم مسکوت میماند، جوانی که آمال و آرزوهایش پایمال میشود، سربازی که جز زورگوئی و محرومیت و قربانی شدن در راه محصل و دانشجویی که میخواهد صدای اعتراضش را همه بشنوند، باید خبرنگار این رسانه ها بشود و برای آنها خبر و گزارش تهیه کند. در همه دانشگاهها و مراکز مهم سیاسی، در همه کارخانه ها و پادگانها، در همه بیمارستانها و مدارس و در همه شهرها در سراسر

منصور حکمت در "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری:

"استثمار و تبعیض و بیحقوقی / ابداعی اینچنین عظیم، و در رضایت توده وسیع خود استثمار شوندگان و بدون موجه قلمداد شدن این مناسبات در اذهان خود قربانیانش سر پا باقی نمیماند. توجیه کردن این وضعیت، ابدی و ازلی و طبیعی قلمداد کردن آن و ترساندن و برحذر داشتن فرودستان جامعه از شورش علیه این مناسبات، وظیفه روبنای فکری و فرهنگی و اخلاقی در این جامعه است... پیدایش وسائل ارتباطات جمعی، انفورماتیک و شبکه های رادیو تلویزیونی ماهواره ای در دو دهه اخیر، که گردآوری و انتقال سریع اطلاعات را در سراسر جهان بشدت تسهیل کرده است، در دست بورژوازی به یک ماشین عظیم پخش سوءاطلاعات، تحمیل عقاید و تحریک مردم در یک مقیاس صدها میلیونی بدل شده است."

مبارزه علیه افکار و آرا و اخلاقیات ارتجاعی حاکم بر جامعه یک محور مهم مبارزه کمونیستی است. و این مبارزه را باید در ابعاد وسیع، در همان سطحی که طبقات حاکم به آن مشغولند یعنی در سطح کل جامعه، در دستور گذاشت. رادیو انترناسیونال و تلویزیون انترناسیونال انحصار رسانه های عمومی و بزرگ را از دست طبقه حاکم خارج کرده اند. امروز ما نیز قادریم حرفمان را با این ابزارها به گوش میلیونها نفر برسانیم. این یک نقطه عطف مهم و تاریخی در فعالیت یک حزب رادیکال کمونیستی است و فاکتور سیاسی مهمی را به نفع آزادیخواهی، به نفع کمونیسم، به نفع کارگر و زحمتکش تغییر داده است. در جامعه ای که بخاطر توزیع یک صفحه اطلاعیه کمونیستی هزاران نفر زندان و شکنجه و اعدام شده اند، در جامعه ای که کمونیسم جرم است، تبلیغ برابری و سوسیالیسم جرم است، حزب کمونیستی و تشکیل هرمحفل کمونیستی جرم است، امروز رسانه

میکنند. این نامه بیانگر واقعیت بزرگتریست و آن اینکه هم اکنون "کانال جدید" جمع ها و محافل خود را نه تنها در این کارخانه بلکه در بسیاری از کارخانجات دیگر و در میان معلمان و پرستاران و اقشار دیگر جامعه پیدا کرده است. جمع هایی که در واقع حوزه ها و سلول های پایه حزب کمونیست کارگری هستند و امروز حرف آنها را از زبان جمعی از کارگران این کارخانه میشنومیم. ناچاریم نام کارخانه را بدلیل فضای پلیسی از نامه آنها حذف کنیم. این نامه بیان واقعی نقش حزبی است که جای خود را در میان توده های وسیعی از کارگران و بخش های مختلف جامعه باز کرده است. با این مقدمه کوتاه دست این دوستان را بگرمی میفشارم و متن کامل نامه این دوستان را در زیر می آورم.

شهلا دانشفر

با سلام! ما جمعی از کارگران کارخانه واقع در منطقه کرج با مشاهده برنامه های شما در کانال جدید که در دفاع از حقوق کارگران است تصمیم گرفتیم با معرفی و طرح مشکلات کاری در محل کارمان صدای اعتراض خود را به گوش همگان برسانیم. با امید به اینکه این فریادها و اعتراضات بگوش همگان برسد و باعث ایجاد همبستگی و اتحاد بین کارگران بشود این نامه را برای شما مینویسیم.

با اعلام اعتراض خود میخواهیم به کارفرمایان و نمایندگانشان در شوراهای اسلامی کار بفهمانیم نمیتوانند بدون اینکه کسی از بیعدالتی هایشان باخبر شود، در گوشه امن خود هر چه میخواهند بکنند. ما میخواهیم کارخانه ها را با کمک تلویزیون کانال جدید برای کارفرمایان ناامن کنیم. ما بدین وسیله میخواهیم حمایت سایر همکاران زحمتکش خود را جلب و حمایت خود را نیز از اعتراضات آنان اعلام کنیم.

جمعی از کارگران کارخانه

۹ مهر ماه ۸۳

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!